

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

Torah studies ترجمه کتاب

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center

Issue # 1

Shabbat Bereishis, 5787

28 Tishrei, 5787

October 9, 2026



Friday, October 9, Light Shabbat Candles, by 6:08 p.m.

Saturday, October 10, Shabbat ends at 7:10 p.m.

(Times are for Los Angeles)

پیشگفتار

"...و من به شما، در میان این ایستادگان، حرکت خواهم داد..."

زخریا ۳:۷

ترجمه یک متن مذهبی بیش از هر چیز به نوعی کمک و مدد الهی نیاز دارد. هر اندازه که مترجم متحبر و استاد در ترجمه باشد باز هم در زبان روحانی واژه‌هایی وجود دارد که نه فقط یک لغت و حتی یک تفسیر هم نمی‌تواند معنای اصلی آنرا عنوان کند بلکه برای درک آن نوشتن یک کتاب هم کافی نیست. هر لغت و واژه روحانی آنچنان دارای بار معنویست که بسیار مشکل‌بتوان و یا به عبارتی غیر ممکن است که واژه‌ای در زبان دیگر پیدا کرد که همان معنا و تعبیر را برساند و دارای همان بار روحانی و مذهبی باشد. به عنوان مثال زمانی که یک ربای از کلمه صدیق و یا حاسید و یا بعل تشووا در کتاب و سخنرانی خود استفاده می‌کند هیچیک از کلمات، صادق، برهیزکار و یا توبه کار ترجمه صحیح این کلمات نمی‌تواند باشد و برای توضیح آنها شاید یک صفحه نوشته هم باز کم است.

شاید بتوان گفت که واژه‌ها و کلمات همچون وسیله‌هایی هستند که انسان با کمک آنها به هدف خود میرسد اما چگونگی استفاده از این وسائل و واژه‌ها بدست راننده و کسی است که این واژه‌ها استفاده می‌کند. زمانی که یک حاخام و ربای از کلماتی همچون خداوند، صدیق، حاسید.... و غیره استفاده می‌کند آنچنان تأثیری بر روح و وجود ما می‌گذارد که تن را به لرزه می‌اندازد و استفاده یک فرد معمولی از این کلمات کماکان تغییری در ما ایجاد نمی‌کند. این تأثیر گذاری بیشتر به میزان روحانیت نویسنده و خواننده بستگی پیدا می‌کند. در طی بیست سال گذشته و در زمان ترجمه این کتاب مترجم همواره سعی کرده است که خودش را هر چه بیشتر به خدا و تورا نزدیک کند تا بیشتر به روح مطالب معنوی پی ببرد. از خواننده نیز انتظار می‌رود که برای درک بهتر و بیشتر این مطالب مذهبی هر چه بیشتر خود را به روحانیت و تورا نزدیک بکند.

کتابی که در جلو شما قرار گرفته و به فارسی ترجمه شده است زبان اصلی آن بیدیش بوده و در آن سخنرانی‌های ربای لوباویچ قبلا به عبری و از عبری به انگلیسی ترجمه شده است و در این کتاب به فارسی برگردانده شده است. خوانندگان عزیز توجه دارند که زمانی که کتاب و مطالبی

Aish Tamid Shabbat Bereishis, 5787

از چندین زبان ترجمه می شود احتمال سوء تفاهم و جابجایی معنای کلمات در آن بسیار زیاد میشود. در عقل و دانش و امانت داری کسانی که آنرا به زبان انگلیسی ترجمه کرده اند هیچگونه شک و تردیدی نیست. در عقل ناقص و دانش کم این بنده حقیر نیز جای تردید وجود ندارد چرا بنده حقیر نه ربای بوده ام و نه به گرد دانش و معرفت و روحانیت آن کسانی که این کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کرده اند میرسم. بنابراین صلاح را در این دیدم که تا آنجا که ممکن است در ترجمه وفادار به متن اصلی باقی بمانم. اگر چه این عمل نثر کتاب را مشکل و فهم مطالب را کمی دچار مسئله می کند.

هدف از ترجمه این کتاب آن بوده است که تا حدی نسل جوان فارسی زبان را با نحوه فکر و اندیشه مردان بزرگ مذهبی مان در مورد خدا - تورا - زندگی و گالوت و هدف آن آشنا کرده باشم. این مطالب بدون هیچگونه گرایش خاصی نسبت به گروه و یا دسته ای ترجمه شده است و نویسنده تنها دارای یک جهت گیری خاص بوده است و آن جهت بسوی خدا و تورا است.

می گویند روزی مرد مقدس و دانشمندی برای ادای سخنرانی به تالاری دعوت شده بود در روز مقرر مردم شهر که تعریف ها و تمجیدهایی از تقدس و عقل و دانش این مرد شنیده بودند همگی در آن تالار جمع شدند که به سخنان او گوش دهند. از آنجا که جمعیت بسیاری آمده بود و آن محل گنجایش این جمعیت را نداشت مردم کاملاً فشرده شده و تعدادی هم در خارج از تالار بی صبرانه منتظر بودند که راهی باز بشود و به داخل بیایند. خدمتکار تالار که از این وضع بسیار ناراحت شده بود یکمرتبه به بالای سکویی که برای سخنرانی آماده کرده بودند رفت و با صدای بلند فریاد زد که "خدا پدرشو بیمارزه هر کسی رو، که در هر جایی که هست یه قدم بیاد جلو" مردم قدمی به جلو گذاشتند و آهایی که در بیرون بودند به داخل تالار آمدند و همگی ساکت و آرام منتظر آغاز سخنرانی شدند.

مرد حکیم که مرد پیری هم بود به بالای سکوی سخنرانی رفت و اینگونه شروع کرد "هر آنچه را که من می خواستم بگویم و هر آنچه را که همه پیامبران خدا گفتند را این مرد در یک کلام گفت و آن اینکه "خداوند پدر هر کسی را که قدمی به جلو بگذارد را بیمارزد". این را گفت و به سخنان خود پایان داد.

ربابی لوباوویچ در این رابطه سخنی دیگر دارد. او می گوید که هدف زندگی یک فرد یهودی این

Aish Tamid
Shabbat Bereishis, 5787

نیست که صرفاً خودش را به مراحل و درجات بالایی تقدس و روحانیت برساند، بلکه هدف آن است که او جهان را از آنچه که هست بهتر کند و در این راه او می‌بایست دیگران را نیز با خودش همراه کند. دست‌گیری را هم گرفته و او را با خودش به طرف خدا، تورا و روحانیت بکشانند و این موضوع آنچنان اهمیت دارد که بدون آن نه تنها انسان به این درجات نمی‌رسد بلکه کوشش در این راه بدون این عامل نوعی خودپرستی و خودخواهی تلقی می‌شود.

با استفاده از همین فلسفه بوده است که امروزه طرفداران آن به هر گوشه و کنار دنیا که می‌توانسته اند رفته‌اند و سعی در ترویج تورا و میتصوت می‌کنند.

اگر چنانچه مطالب این کتاب بتواند کسی و یا کسانی را در این جهت بکشانند، زحماتی که برای ترجمه این کتاب کشیده شده است حاصل خود را داده و شکرگذار خداوند خواهم بود.

از تمامی کسانی که در این مدت برای ترجمه این کتاب کمک نموده‌اند از همسر عزیزم ادنا که با صبر و شکیبایی فرصت انجام این ترجمه را برای من فراهم کرد، از خانم نسرين کاشانی که تایپ مطالب را بعهده گرفته و از آقای نورانی که آنرا تصحیح نمودند کمال تشکر را دارم.

پرویز مزدهی آزاد

۴/۱۵/۲۰۰۷

مقدمه

ترجمه کاریست که همواره با مشکلات روبروست. از زمان واقعه برج بابل که زبان‌های متفاوت بوجود آمد. طرق‌های متفاوتی برای بیان یک مطلب ایجاد شد. هر زبانی و حتی هر لهجه‌ای برای خود یک فرهنگ است. بنابراین لازمه ترجمه تغییر شکل دادن برای درک هرچه بیشتر عمق مطلب اصلی می‌باشد.

این اصل کلی بخصوص در مورد ترجمه یک اثر و یا متنی مربوط به حاسیدیم^۱ صادق است. ربای لوباویچ که این کتاب براساس سخنرانی‌های او نگاشته شده است، تعریفی کلاسیک مخصوص به خود در مورد حاسیدوت دارد. حاسیدوت به عقیده او، نمی‌بایست به عنوان یکی از شاخه‌های مکتب‌های فکری یهودیت بررسی شود بلکه حاسیدوت عمق و اساس تورا را مورد توجه قرار داده، ذات درونی روح را مخاطب قرار میدهد و اصل بقاء وجود را لمس میکند. حاسیدوت^۲ همچون^۳ چراغی بر دیگر قسمت‌های مذهب یهود، همچون هلاخا و آگادا پرتو افکنی میکند و وحدت درونی مابین شکل‌های متفاوت آنها را آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر حاسیدوت متعلق است به توراتی که نظیری برای آن نیست و بنابر تعریف غیر قابل ترجمه است. با توجه به قابلیت‌های زبانی و ساختارهای مکتب‌های فکری غرب، حاسیدوت در هر زمینه‌ای جهان مادی و غیر مذهبی را به مبارزه می‌طلبد. و از ما میخواهد که از طریق دنیای قابل لمس تفکر مادی به واقعیت‌های عرفانی درون و برون نگاه کنیم. در چنین قرنی که شاهد نتایج اسفناک طرز تفکر مادی بوده‌است و انسان را معیار همه چیز میداند و اخلاقیات را بدون اساس الهی تعبیر می‌کند، حاسیدوت، اساس این بینش‌ها را به مبارزه طلبیده و اهمیت این مبارزه را مشخص می‌کند.

به این ترتیب یک مترجم چگونه باید این بینش‌ها و فلسفه‌ها را ترجمه کند. هارامبام تقریباً هشتصد سال پیش این مشکل را عنوان می‌کند و راه حل آنرا ذکر می‌کند. درنامه‌ای به مترجمش، شموئل ابن تبیون، او اینگونه می‌نویسد. «کسی که می‌خواهد از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند چنانچه هر جمله‌ای را لغت به لغت بررسی کند و ترجمه این لغات را بصورت

۱- حاسیدیم طرفداران فلسفه حاسیدوت

۲- حاسیدوت فلسفه‌ی مذهبی از تورا بر مبنی عشق به خداوند و انسان، عبادت خداوند با شادی، زهد و پرهیزکاری

۳- آگادا داستانهایی اساطیری یهود

Aish Tamid Shabbat Bereishis, 5787

جملات منظم کند. با مشکلات زیادی برخورد می کند و در پایان با ترجمه ای روبرو میشود که سؤال برانگیز بوده و گیج کننده است.

بجای آن مترجم می بایست ابتدا سعی کند که معنای موضوع را درک کرده و سپس مطلب را برحسب فهم و کلام خودش به زبان دیگر توضیح دهد. و این عملی نمی شود مگر آنکه لغات و کلمات را تغییر بدهد. بعضی اوقات او می بایست برای ترجمه یک لغت از کلمات بسیاری استفاده کند و یا برعکس برای ترجمه کلمات بسیار از یک لغت استفاده کند. او می بایست کلمات را اضافه و یا حذف کند، تا آنکه مفهوم مطلب برای همه به زبانی که ترجمه صورت می گیرد به روشنی مشخص بشود».

ترجمه حاضر با در نظر گرفتن این عقیده هارامبام صورت گرفته است. سعی و کوشش فراوان بکار رفته است که در حد امکان حالت و اصلیت مطالب و عقاید و جزئیات آنها حفظ بشود و آن مواردی که غیر قابل ترجمه بوده اند با حفظ روح مطلب تعبیر و تعریف شده اند. مسلم است که چنانچه این کتاب روح خواننده را به مطالعه بیشتر برانگیزاند، مترجم به هدف خود رسیده است.

شنیدن و یا خواندن متنی از سخنرانی رابای لوباویچ همچون رفتن به یک سفر است. ما می بایست و مجبوریم که حرکت کنیم. جایی که در پایان این سخنرانی قرار داریم آن جایی نیست که در آغاز آن قرار داشتیم. حرکت ما با سؤالی در مورد تفسیر راشی^۴ و یا مشکلی در درک هلاخا آغاز میشود و در این سفر، مطلبی، ما را با مطلبی نو تر و تازه تر آشنای می کند و جواب ها و سؤالاتی تازه تر به ما میدهد. تا آنجا که ما پله پله به بالاترین نقطه مطلب مورد بحث میرسیم. و در این نقطه، همانطور که ما تمامی موارد مربوط به موضوع را مورد بررسی قرار داده ایم، سؤال اصلی در شروع، نه فقط حل شده است بلکه به عنوان یک نقطه شروع برای یک تحقیق روحانی دیگر، خود را آشکار می کند. سؤال فقط برای آن بوجود آمده بود که مانگهامان به آن بسیار سطحی بوده است و عمق مطالب تورا را درک نکرده ایم.

به این ترتیب مسئله ای در مورد قوانین طلاق، ما را به آنجا میرساند که مفاهیم جدایی و یگانگی را مورد ملاحظه قرار بدهیم و در نتیجه به دوباره تفسیر کردن اساسی معنای گالوت بیردازیم. مشکلی در مورد میوه های درختان در سال پنجم ما را به سطوح مختلف واقعیت های روحانی می کشاند و سپس به بررسی زندگی بعل شمطوو^۵ و در نهایت باعث تغییر شکل عقاید معمول ما در

۴- راشی یکی از مفسرین تورا

۵- بعل شمطو موسس جنبش حسیدوت

Aish Tamid Shabbat Bereishis, 5787

مورد تقدس و الوهیت می شود. تفکری در مورد نام پاراشا ما را با مطالبی در مورد برگشت به خداوند و هویت شخصی آشنا می کند. هر رشته سخنرانی حرکتی است از یک مورد خصوصی به یک مورد کلی و اساسی از نهایت به بی نهایت و برعکس. نتیجه هر کدام از سخنرانی ها از ما می خواهد که تغییر شکلی عمیق به طرز دیدمان از دنیا و از خودمان بدهیم. تا آنجا که وقتی که به پایان سخنرانی میرسیم و با توجه به سئوالی که با آن سخنرانی آغاز شده بود دیگر همه چیز تغییر کرده است حتی خود ما. هر کدام از این سخنرانی ها به نوعی، یک سفر عرفانی به اوج رسیدن و برگشت از آن است. بالا رفتن و برگشتن از طریق تورا به جهان روحانیت - جدا ناپذیری روح از خداوند، خواستن و امکان پذیر بودن دائم برای برگشت بسوی خداوند (تشووا)، وحدت ما بین قوم یسرائل، امیدوار بودن، وجود نور دائم و همیشگی در ماوراء سطوح تاریک تاریخ. اینها انگیزه ها و هدف های حاسدوت می باشند که همچون یک رشته اصلی در تمامی تعلیمات رایابی لوباویچ دیده میشوند. نوع بخصوص مطالب، سخنرانی ها، ترتیب عقلانی سؤال و جواب ها، منطق و قدرت سئوالات، نشانگر خصوصیت های عمده طرفداران این فلسفه می باشد.

این سفر عرفانی بر روی احساس و عمل ما تاثیر می گذارد و حقیقت ابتدا بوسیله عقل درک میشود سپس بوسیله قلب و احساس مورد تاثیر قرار می گیرد. و در این تشخیص حقیقت ما خود واقعی مان را پیدا می کنیم.

این گفتارها با وضوح بسیار شرایط زندگی یهودیان حاضر را مورد بحث قرار میدهد. نقطه مشخص آغاز آنها دوران تاریکی است که بعد از وقوع هالوکاست جهان را فرا گرفته بود. جهانی که در آن روحانیت، تعهدات اخلاقی و هدف الهی در آفرینش تقریباً موضوعاتی مبهم و ناآشنا بودند. اعتقاد اصلی بر این است که ما می توانیم قدم به قدم از این دوره گیج کننده و مبهم بیرون بیائیم و با کمک روشنایی خاص تورا ابرهای تاریک را پشت سر نهیم و بسوی نوری نهایت حرکت کنیم.

در ترجمه و تفسیر اصلی این گفتارها ربی فی ویش و وگل و ربی شموئل لئو (Rabbi feivish voogel Rabbi shemouel leo) مشوق و یاری دهنده من بوده اند. اعتبار و ارزش این کتاب متعلق به آنهاست اشتباهات و کمبودها متعلق به من است این کتاب بخاطر دوستی ایشان و کمک هایشان به آنها تقدیم میشود.

جانانان ساکس

برشیت

در ذکر تاریخ پیدایش در تورا موضوعی وجود دارد که بنظر پراز راز و رمز است و آن اینکه چرا نور، در حالی که چیزی وجود نداشت که از آن استفاده ای بشود قبل از هر پدیده دیگری بوجود آمد؟ توضیحات ربانیم نیز این مطلب را بیشتر در راز و رمز فرو می برد. چرا که آنها می گویند که این نور را بلافاصله خداوند برای افراد صدیق در جهان آینده پنهان کرد این مبحث به این موضوع پرداخته و علت این آفرینش را توضیح میدهد.

۱- اولین خلقت

”خداوند گفت نور باشد و نور شد“.^۱ اینها اولین کلماتی بودند که خداوند بوسیله آنها جهان را آفرید و اولین خلقت خداوند آفرینش نور بود. اما چرا نور؟ نور به تنهایی برای خودش هیچ ارزشی ندارد. ارزش و استفاده از آن بستگی به وجود چیزهای دیگری دارد که بوسیله آن روشن می شوند و یا از آن بهره می گیرند. پس چرا زمانی که چیزی وجود نداشت نور آفریده شد؟ ما نمی توانیم بگوئیم آفرینش نور برای آماده کردن دنیا بخاطر آفریدن چیزهای دیگر بود. به آنگونه که تلمود^۲ در مورد آفرینش انسان می گوید که ”انسان آخر همه موجودات آفریده شد که همه چیز برای زندگی او آماده شده باشد“. چرا که با این منطق نور می بایست یادرست قبل از خلقت حیوانات آفریده میشد (که بتوانند مابین نور و تاریکی را تشخیص بدهند) و یا قبل از خلقت گیاهان و درختان. در سومین روز خلقت (که بتوانند از آن بهره ای ببرند).

۲- نور پنهان شده

ربانیم توضیح میدهند^۳ که ”خداوند نوری را که در روز اول آفرید در دنیای آینده برای افراد صدیق پنهان کرد“. اما این مطلب دارای تناقض است هدف اصلی آفرینش نور روشنائی و روشن

۱- برشیت ۱، ۳

۲- سنهدرین ۳۱ الف

۳- حگیگا ۱۲ الف - برشیت ۶، ۳

نمودن است و در اینجا درست بعد از خلقت آن خداوند آنرا پنهان می کند که مخالف هدف آفرینش آن است؟ حتی اگر چه ربانیم علت پنهان کردن آنرا هم توضیح میدهند اما هنوز این سؤال به قوت خود باقی است که چرا اصولاً خداوند آنرا آفرید؟

دومین مطلبی که احتیاج به توضیح دارد در زوهر^۴ است که می گوید که کلمات نور و رمز از نظر ارزش عددی یکسان هستند^۵ و این تساوی علامتی است بر اینکه یک رابطه ای مابین آنها موجود است اما در اینجا نیز تناقض وجود دارد. نور و روشنایی اساساً یک چیز ظاهر شده می باشد و راز و رمز اساساً موضوعاتی پنهان هستند چگونه دو چیز متضاد می توانند باهم در رابطه باشند؟

۳- طراح آفرینش

برای جواب به این سؤالات ما ابتدا می بایست عقیده ای که در میدراش^۶ آمده است را عنوان کنیم که می گوید "همانگونه که زمانی که پادشاهی می خواهد قصری را بسازد ساختن آنرا یکباره و بدون تفکر شروع نمی کند بلکه با مهندسان و معماران خود در این مورد مشورت می کند به همین ترتیب هم خداوند به تورا نگاه کرد و جهان را آفرید".

به عبارت دیگر بوسیله بررسی کردن نظمی که انسان بکار می برد که چیزی را که احتیاج به برنامه ریزی و فکر قبلی دارد (مثلاً یک ساختمان) را بسازد. ما می توانیم به چگونگی نظمی که خداوند اختیار کرد در اینکه جهان را به وجود بیاورد پی ببریم.

به عنوان مثال در ساختن یک بنا. ابتدا شخص هدفی را که برای بنا این ساختمان می بایست انجام بدهد در فکر خود مشخص می کند درست بعد از این مرحله است که او شروع به ساختن و کار می کند.

و این همان ترتیبی است که خداوند جهان را آفرید. هدف از جهانی که خداوند آفریده است. "جهانی که نور الهی در آن در لایه های سنگین موجودیت های مادی مخفی است"^۷ آن است که این جهان پاک، خالص و منزّه بشود و نور اولیه الهی در آن دوباره قرار بگیرد. خداوند می خواهد که در نهایت در "این جهان سفلی"^۸ یک منزلگاه درست بکند. به این معنا که اختفا و پنهان شدن او (تاریکی) به ظهور آشکار (نور) تغییر شکل یابد.

۴- بخش سوم ۲۸ ب زوهر ۵- گِمتِریا تنیا بخش دوم فصل ۱ و ۷

۶- ابتدای برشیت ربا ۷- کلمات جهان و پنهان در زبان عبری عَلام و هِעِلم باهم مشابهت دارند

۸- رجوع شود به تنیا بخش اول فصل ۳۶

به این ترتیب از آنجا که نور هدف آفرینش است و هدف اولین چیز است که در نظم انجام کار می‌بایست در مورد آن تصمیم گرفت نور در روز اول خلق شد و منظور در آفرینش تمامی مخلوقات بعدی در همان کلمات اولیه گنجانده شد که "نور باشد".

۴- نور مجازی

با این حال در هر مرحله‌ای از آفرینش اشاره‌ای ضمنی به نور شده است. برای اینکه در هر مرحله با این عبارت و "خداوند دید که خوب است"^۹ خاتمه می‌یابد و کلمه "خوب" اشاره به "نور" می‌کند همانطور که گفته شده است و "خداوند نور را دید که خوب است". به این ترتیب در هر مرحله آفرینش نور موجود بوده است. اما چنانچه ایجاد نور هدف از آفرینش بوده و این هدف تنها در پایان آفرینش موجودیت می‌یافته است چگونه این حالت ممکن میشود که در هر مرحله این هدف موجود بوده و خودش را نشان بدهد؟

جواب در این است که هدف خودش را همواره به دو شکل نشان میدهد:

الف: در موقع شروع کار و بصورت موجودیت خارجی

ب: در موقع انجام هر مرحله از کار بصورت موجودیت داخلی که کارگزاران را راهنمایی کند که قبل از شروع آن مرحله آنرا با طرح و هدف اصلی مطابقت بدهند.

به این ترتیب آن نور اولیه دارای دو جنبه بوده است. اولاً به عنوان نشانه و هدف آفرینش بصورت کلی ثانیاً به عنوان جهت دهنده و شکل دهنده هر آفرینشی به تنهایی به طرف هدفش، که همان نور باشد.

۵- الهام و انجام

حال درک این مطلب که چرا در زوهر به ارتباطی که مابین نور و رمز وجود دارد، اشاره می‌کند و چرا ربانیم گفته‌اند که "این نور برای افراد صدیق در جهان آینده پنهان شد" برای ما روشن می‌شود. زمانی که ساختمانی در حال احداث می‌باشد، شکل نهایی آن در این زمان فقط در فکر و مغز طراح و مهندس ساختمان موجود است. اما زمانی که بنای ساختمان تمام شد شکل نهایی آن ظاهر میشود.

۹- برشیت ۱-۴ - رجوع شود به سوطا ۱۲ الف

Aish Tamid Shabbat Bereishis, 5787

به همین ترتیب در مورد جهان، تنها زمانی که این جهان بوسیله اعمال ما - در طی شش هزار سال،^{۱۰} که قبل از زمان آمدن ماشیح می باشد - به نقطه کمال خود برسد. هدف از آفرینش آن دوباره ظاهر میشود. یعنی همان نوری که خداوند آنرا پنهان کرد. این نور در جهانی که ایجاد میشود (زمانی که عبادت ما در این دنیا کامل بشود) باردیگر آشکار شده به همان شکل روز اول آفرینش، جهان را روشن می کند.

اما هر چیزی که پنهان است در محلی پنهان است. این نور در کجا پنهان شده است؟ ربانیم می گویند^{۱۱} در توره بخاطر آنکه همانگونه که نقشه های یک مهندس معماران را رهبری می کند که چگونه ساختمانی را بسازند (به همان شکل نیز توره ما را رهبری می کند که چگونه از طریق یادگیری و انجام میصوت جهان را به کمال خود برسانیم)

۶- از جهان به انسان

هر انسانی یک دنیای کوچک است و سرنوشت او نیز با سرنوشت دنیای بزرگ در رابطه است به این ترتیب این نظم و ترتیب در آفرینش جهان میتواند به عنوان الگویی برای نظم و ترتیب انسان در عبادت خداوند قرار بگیرد.

هدف زندگی هر فرد یهودی ایجاد «نور» است که بوسیله آن شرایط زندگی و محیط خود را به نور تبدیل کند. این هدف صرفاً با بیرون راندن بدی و اجتناب از گناه عملی نمی شود بلکه با انجام دادن خوبی و تبدیل تاریکی به نور.

و نظم و ترتیب انجام این هدف می بایست همان نظم ترتیبی باشد که خداوند در آفرینش جهان انجام داد. ابتدا او می بایست هدفش را مشخص کند. به محض درخواستن از خواب (زمانی که دوباره آفریده شده است)^{۱۲} در واقع در هر لحظه "برای آنکه جهان دائماً در حال دوباره آفریده شدن است"^{۱۳} او میبایست درک کند که وظیفه او ایجاد نور است و سپس او می بایست اجازه دهد که بوسیله تطبیق دادن اعمال خودش با توره یعنی با نقشه اولیه آفرینش، این هدف بوسیله هر یک از اعمال او مشاهده شده و انجام شود.

۱۱-میدراش رووت در زوهر هقداوش ۸۵ الف
۱۳-آغاز بخش دوم در تنیا

۱۰-مطابق با شش روز خلقت
۱۲- یلقوت شیمعونی بر تهیلیم

۷- تبدیل تاریکی به نور

چنانچه نور هدف آفرینش هر چیز است بنابراین می توانیم نتیجه بگیریم که هدف از آفرینش تاریکی نیز ایجاد نور است. برای آنکه تاریکی نیز هدفی دارد، (که به انسان آزادی انتخاب مابین خوب و بد را بدهد) و صرفاً آفریده نشده است که از آن اجتناب شود بلکه آن نیز می بایست تغییر شکل داده به نور تبدیل شود.

و اگر چنانچه انسان در این تاریکی غالب بر جهان^{۱۴} بعضی اوقات در انجام وظیفه خود در تبدیل تاریکی به نور مایوس و ناامید شود در همان ابتدا به او گفته شده است که "در (و یا بخاطر) ابتدا خداوند ... آفرید" که ربانیم آنرا اینگونه ترجمه کرده اند که بخاطر اسرائیل که ابتدای آفرینش خداوند خوانده شده است و "بخاطر تورا که ابتدای طریق خداوند است"^{۱۵} خداوند جهان را خلقت نمود.

جهان بخاطر آن آفریده شده است که اسرائیل از طریق تورا آنرا به محل دائمی ظهور و تجلی آشکار نور الهی تبدیل کند و این کلمات پیامبرانه ناوی یشعیا^{۱۶} عملی بشود که «خورشید دیگر در روز نور تو نخواهد بود و مهتاب برای روشنی بر تو تابش نخواهد کرد. بلکه خداوند برای تو نور ابدی خواهد بود.»

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 10, pp. 7-12)

(منبع - لیکوتی سیخوت جلد دهم ص ۷ الی ۱۲)

۱۴- برشیت ۱ و ۲

۱۵- راشی برشیت ۱/۱

۱۶- یشعیا ۶۰ و ۶۱

Reprinted with permission by:

CPY

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzell Peer, Executive Director

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>